

## مقاله پژوهشی

### تأملی بر سیر تاریخی مطالعات تفسیری شبه‌قاره‌ی هند به زبان عربی (قرن اول تا دوازدهم هجری)



هادی سلیمانی ابهری<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۳

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

#### چکیده:

علی‌رغم جایگاه والای قرآن در بین مسلمین و به عنوان منبع الهام بخش بسیاری از تمدن‌های شکل گرفته بعد از ظهور اسلام، بررسی سیر تاریخی تفسیر در شبه‌قاره‌ی هند، نشان می‌دهد که تاریخ تفسیرنگاری در آن سرزمین به ویژه قبل از دوره‌ی معاصر، در پژوهش‌های قرآنی بسیار مغفول واقع شده است. با ضرورت رفع این خلاء پژوهشی، جستار کنونی با بهره‌گیری از مطالعات بین‌رشته‌ای، و به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی و استناد تاریخی، تفاسیر تدوین یافته‌ی شبه قاره را مورد تبیین قرار داده است. پژوهش حاضر در ابتدا این تفاسیر را با گرایش‌ات عرفانی، کلامی و فلسفی در مرحله‌ی تکوین تفسیر معرفی و تبیین می‌کند و در دوره‌ی توسعه‌ی تفسیر، تفاسیر با گرایش‌ات اخلاقی و عقلی به ویژه تفاسیر به روش «ساختاری» را با تحلیل شرایط اجتماعی مفسرین و ویژگی تفاسیر آنها بررسی کرده و ابعادی از قرآن‌پژوهی شبه قاره، با محوریت سیر تاریخی آثار تفسیری مکتوب به زبان عربی را از ورود تمدن اسلامی به آن دیار تا قرن دوازدهم مورد تحلیل قرار می‌دهد.

واژه‌گان کلیدی: مطالعات قرآنی، شبه قاره‌ی هند، زبان عربی، روش‌های تفسیری، تفسیر

ساختاری.

سال اول

شماره دوم

پیاپی: ۲

زمستان ۱۳۹۹

۱. دکترای تاریخ اسلام، عضو هیأت علمی دانشگاه زنجان.

Hadi.soleimani@znu.ac.ir



## مقدمه

با عنایت به جایگاه والای زبان قرآن در بین مسلمین و به عنوان منبع الهام بخش بسیاری از تمدن‌های شکل گرفته بعد از ظهور اسلام، و با توجه به اندک بودن پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی روند تاریخی قرآن‌پژوهی در قرون اول تا دوازدهم هجری در شبه قاره، این جستار، با بهره‌گیری از مطالعات بین رشته‌ای و با شیوه‌ی توصیفی تحلیلی و استناد تاریخی، به مطالعه‌ی روند تاریخی پژوهش‌های قرآنی در شبه قاره‌ی هند، با محوریت تفاسیر مکتوب به زبان عربی می‌پردازد. قبل از طرح مسئله‌ی تحقیق و بیان اهداف آن و ورود به مبحث اصلی، ذکر چند نکته ضروری است:

۱- قرآن‌پژوهی مفهومی گسترده و کلی در حوزه‌ی مطالعات قرآنی است و در نوشته‌ای محدود، نمی‌توان همه‌ی مصادیق آن را مورد بحث و بررسی قرار داد. از آنجا که مطالعات علوم قرآنی و تفسیر به مثابه‌ی مهمترین مصادیق قرآن‌پژوهی به شمار می‌روند و نیز بسیاری از مباحث علوم قرآنی در مقدمه‌ی اکثر تفاسیر مطرح می‌شود، در این مقاله، روند تاریخی قرآن‌پژوهی در شبه قاره‌ی هند فقط از بُعد تفسیرنگاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ۲- جهت اختصار، در ادامه‌ی تحقیق به جای عبارت «شبه‌قاره هند» از کلمه «هند» استفاده می‌شود.

۳- جهت حفظ انسجام در ذکر مراحل مطالعات قرآنی (با محوریت تفسیر) در هند، ابتدا و در مجموع، روند تاریخی تفسیرنگاری به هر دو زبان عربی و فارسی در هند لحاظ گردیده و با تمرکز بر ویژگی آثار عربی از مطالعات یاد شده و ذکر شرایط اجتماعی و تاریخی نویسندگان آنها و اجتناب از توضیحات مرتبط با آثار فارسی زبان، مراحل مختلف پژوهش‌های تفسیری توضیح داده می‌شود.

۴- با عنایت به کثرت منابع و مکتوبات پیرامون مطالعات قرآنی هند در سه قرن اخیر به ویژه از پایان حاکمیت گورکانیان تا دوران معاصر، و با توجه به کمبود آثار در حوزه‌ی بررسی میراث قرآنی شبه قاره در دوران تاریخی ظهور اسلام در هند تا پایان حکومت گورکانیان، این جستار در بازه‌ی زمانی قرن اول تا دوازدهم هجری به موضوع مورد پژوهش می‌پردازد.

۵- عبارت «تفسیر ساختاری» در این نوشتار به مفهوم روش تفسیری مبتنی بر محوریت بحث نظم و پیوستگی آیات و سوره‌ها می‌باشد.

## مسئله‌ی تحقیق:

مسئله‌ی این تحقیق، مبتنی بر چند فرضیه صورت یافته است:

۱- قرآن‌پژوهی هند، ابتدا به زبان فارسی به ویژه در تفسیرنگاری و علوم قرآنی و بعضی موارد آموزش متون تفسیری به زبان عربی در مراکز آموزشی، مرحله‌ی تکوین و پیدایش خود را از آغاز ورود اسلام، تا قرن ششم هجری طی می‌کند و از قرن هفتم تا دوازدهم، مرحله‌ی توسعه را در دو دوره‌ی کلاسیک اول و دوم (قبل و بعد از حاکمیت گورکانیان در هند) به هر دو زبان عربی و فارسی پشت سر می‌نهد.

۲- مطالعات تفسیری در هند، ابتدا مرحله‌ی توسعه‌ی خود را متأثر از شرایط تاریخی اجتماعی، با گرایش‌های عقلی کلامی و فلسفی، تجربه می‌کند و در ادامه‌ی این مرحله، به روش‌های شهودی و اجتهادی با وجه غالب گرایش‌های اخلاقی، عرفانی و عقلی در شبه قاره‌ی هند محقق می‌گردد. در این دوره مفسرانی چون شوشتری و مهائمی در ایجاد تحول کیفی در تفسیرنگاری به شکل تفسیر موضوعی و یا طرح مبحث «نظم قرآن و تفسیر به روش ساختاری» نقش آفرینی می‌کنند و با تحول کمی در آثار تفسیری به شکل حاشیه‌نویسی بر تفاسیر معتبر (به ویژه به زبان عربی) دوره‌ی توسعه‌ی تفسیر را به دوره‌ی نوگرایی شبه قاره پیوند می‌زنند.

بر اساس فرضیات فوق الذکر، پژوهش حاضر، در صدد پاسخ به سؤالاتی است که در پی می‌آیند:

(الف) روند تاریخی قرآن‌پژوهی در شبه قاره‌ی هند، از ظهور اسلام تا قرن دوازدهم آن دیار چگونه بوده است؟

(ب) چه شرایط اجتماعی و تاریخی در مطالعات قرآنی و تفسیرنگاری (با محوریت زبان عربی) به ویژه در قرون تاریخ میانه‌ی شبه قاره (قرن هفتم تا دوازدهم هجری) تأثیرگذار بوده‌اند؟

(ج) مفسرین شبه قاره با چه ویژگی‌های شخصیتی، بر تفسیرنگاری تأثیر نهادند و روش، سبک و گرایش تفسیری آنان به ویژه در آثار مکتوب به زبان عربی چه بوده است؟

هدف اصلی این تحقیق، بررسی روند تاریخی مطالعات قرآنی به ویژه تفسیر در هند از آغاز ورود اسلام به آن تا قرن دوازدهم با محوریت بررسی و تحلیل تفاسیر مکتوب به زبان عربی می‌باشد. با محقق شدن این هدف، دسترسی به پاسخ سؤالات شماره ۲ و ۳



در قسمت «مسئله‌ی تحقیق»، از اهداف فرعی این نوشتار خواهند بود.

### مراحل تاریخی تفسیر در شبه قاره:

تاریخ تفسیر هند، دارای دو مرحله‌ی کلی تکوین و توسعه بوده است. مرحله‌ی توسعه، با دو دوره‌ی کلاسیک و نوگرا تداوم می‌یابد. و دوره‌ی کلاسیک، خود در دو گستره‌ی زمانی قبل و بعد از شروع حکومت‌های گورکانیان هند قابل بررسی است. مرحله‌ی اول تکوین تفسیر قرآن کریم در هند (قرن اول تا پایان قرن ششم هجری شامل تکوین و شکل‌گیری) در قالب آموزش، نگارش و یا ترویج احادیث در منابع روایی و حدیثی و بعضی موارد متون عرفانی بیان می‌گردید و هنوز به کتب تفسیری مستقل از حدیث، تبدیل نشده بود. در این دوره تفسیر قرآن به ویژه تبیین آیات اخلاقی آن، در قالب ترویج احادیث نبوی صورت می‌گیرد و مباحث عرفانی در قالب اولین تفسیر از آیات قرآنی توسط هجویری و در کتاب «کشف المحجوب» تبلور می‌یابد.

### قرن اول تا سوم هجری:

همان‌گونه که علم تفسیر در بلاد اسلامی در مرحله‌ی اول، مستقل از علم حدیث نبود، بلکه در متون روایی، تبیین آیات قرآن طرح می‌شد، همین مسیر نیز در مراحل نخستین قرآن‌پژوهی در هند از قرن اول تا سوم پیموده شد. «شهرهای منصوره و دیبل در ایالت سند، به نخستین مراکز نشر و تعالیم حدیثی تبدیل شدند و ربیع ابن صبیع از پیشتازان سند با تمرکز در مباحث حدیثی به تفسیر نیز اشتغال داشت.» (ندوی، ۱۹۵۶، ۷۳) «نخستین ترجمه‌ی قرآن به زبان سندی، در دوره‌ی حکومت بنی‌هبار، به درخواست مهروک شاه از حاکم منصوره، در اواخر قرن سوم هجری در سند صورت گرفت.» (شیمل، ۱۳۶۸، ۶۱ و یاری، ۱۳۸۸، ۴۶) و «طبق روایتی در سفرنامه‌ای به زبان عربی به نام «عجایب الهند»، این ترجمه‌ی تفسیری توسط یک عالم عراقی الاصل به زبان هندی نوشته شد. بنا به گفته‌ی بزرگ بن شهریار، این اثر اولین تفسیر در هند می‌باشد که جزو تاریخ تفسیرنویسی قرار گرفت.» (صدر الافاضل، ۱۳۶۵، ۱۴)

### قرن چهارم تا ششم هجری:

رجاء سندی (م ۳۲۱ق) معروف به اسفراینی در اوایل قرن چهارم و شیخ اسماعیل بخاری لاهوری (م ۴۴۸ق) در اواخر قرن چهارم و نیمه‌ی اول قرن پنجم آموزش تفسیر در هند را در قالب بیان روایات ادامه دادند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ۱۲۲) در نیمه‌ی قرن پنجم، در پنجاب،

شیخ علی ابن عثمان هجویری مشهور به «دانا گنج بخش» به دلیل استفاده‌ی فراوان از آیات قرآنی در کتب خود از جمله کشف المحجوب جزو مهم‌ترین مفسران قرآن با گرایش عرفانی این قرن به شمار می‌رود. در قرن ششم، صنعانی لاهوری (م ۶۵۰ ق) در کتاب خود، مشارق الانوار، به آیات احکام و همچنین به ذکر روایات تفسیر کننده‌ی آیات قرآنی و نیز شأن نزول و بحث‌هایی از علوم قرآنی از جمله ناسخ و منسوخ در لاهور پرداخت. (نقوی، ۲۰۱۴، ۲۷)

### مرحله‌ی توسعه‌ی تفسیر:

این مرحله با ویژگی استقلال علم تفسیر از منابع حدیثی، خود به دو دوره‌ی کلاسیک و نوگرایی قابل تقسیم است. دوره‌ی کلاسیک نیز در دو بازه‌ی زمانی قبل از حاکمیت گورکانیان هند و بعد از سلطه‌ی آنان تا قرون معاصر، قابل بررسی است. قبل از گورکانیان، مرحله‌ی کلاسیک، با استقلال کتب تفسیری از منابع روایی، از قرن هفتم هجری آغاز می‌شود و در اثنای قرون هشت تا دهم، در قالب تفاسیر عرفانی و عقل‌گرا به توسعه‌ی خود ادامه می‌دهد، که موجب شکل‌گیری تفاسیری به روش «ساختاری»؛ یکی از ابعاد تفاسیر عقل‌گرا می‌باشد. بعد از زوال گورکانیان، مرحله‌ی نوگرایی اسلامی در برخورد با اندیشه‌های غربی پدیدار گشت که محدوده‌ی زمانی نوشته‌ی حاضر به این دوره تعلق نمی‌گیرد.

### دوره‌ی اول کلاسیک از مرحله‌ی توسعه‌ی تفسیر (قبل از گورکانیان هند قرن هفتم تا دهم)

#### قرن هفتم هجری:

در این قرن با تشکیل حکومت اسلامی در دهلی از یک طرف، و آغاز تهاجم خانمان سوز مغولان به ایران از دیگر سو، مهاجرت بسیاری از دانشمندان از مناطق افغانستان، خراسان و ماوراء النهر به هند آغاز شد. آنان بیشتر در کلام، منطق، اصول و مباحث عقلانی مهارت داشتند و این علوم را نیز به آن سرزمین انتقال دادند. با حاکمیت ممالیک بر هند و در دوران سلطنت غیاث الدین بلبن مملوکی، «علامه نجم الدین دمشقی» یکی از شاگردان فخر رازی که مورد توجه و احترام سلطان بود، در دهلی اقدام به نشر آراء تفسیری استاد خود نمود. در این قرن علاوه بر راه‌یابی تفسیر فخر رازی به حوزه‌ی قرآن‌شناسی هند، تفسیر کشف زمخشری و انوار التنزیل بیضاوی نیز به عنوان کتب تفسیری مستقل از کتب حدیث وارد حوزه‌های درسی هند شدند. بر این اساس می‌توان گفت از این دوره، استقلال حوزه‌ی تفسیر از علم حدیث؛ که مدتی قبل در بلاد اسلامی راه خود را در پیش گرفته بود در



هند به شکل ترویج کتب مهم تفسیری کشاف، انوار التنزیل و مفاتیح الغیب راه خود را ادامه می‌دهد. هرچند هنوز کسانی مانند برهان الدین بلخی (م ۶۸۷) با استفاده از نشر احادیث و تعلیم منابع روایی در پیرامون تفسیر، به گسترش معارف قرآنی در هند یاری می‌رساندند. (همان، ۲۸)

در این سده روند تفسیر قرآن در دو قالب آموزش و نگارش، قابل بررسی است:

۱- آموزش تفسیر: با شروع این دوره، تفاسیر فلسفی و کلامی قرآن، به منابع آموزشی در حوزه‌های درسی تبدیل شدند. «دانش‌آموزان کلاس‌های تفسیر باید از «کشاف» زمخشری (م ۵۳۸ ق) استفاده می‌کردند. اما بعضی رهبران صوفی مانند بهاء الدین زکریای مولتانی، این تفسیر معتزلی را قبول نداشتند و چندی بعد تفسیر بیضاوی (م ۶۸۵ ق) را پذیرفتند.» (شیمل، ۱۳۶۸، ۶۹)

۲- نگارش تفسیر: تفاسیر قرآن در هند نیمه‌ی اول قرن هفتم با گرایش فلسفی- کلامی و نیمه‌ی دوم این سده با گرایش عرفانی پدیدار گشتند.

به دلیل فارسی بودن برخی از تفاسیر این دوره، تحلیل و بررسی آنها خارج از حیطه‌ی موضوع اصلی این پژوهش بوده و برخی نیز علی‌رغم تألیف به زبان عربی، یا منتشر نشده و در دسترس نیستند و یا منابع کمتری در مورد آنها بحث کرده‌اند. به همین سبب فقط به معرفی اجمالی آنان به شرح ذیل اکتفا می‌گردد:

الف) شیخ نظام الدین حسن بن محمد نیشابوری (نیمه‌ی اول قرن هفتم): صاحب تفسیر «غرائب القرآن» که اولین تفسیر فارسی در هند است و بیشتر منابع آن «کشاف» زمخشری و «تفسیر کبیر» فخر رازی بوده و به تفسیر طبری پهلو می‌زد. (حسینی، ۱۴۰۱، ۳۶ و موسوی، ۱۳۹۲، ج ۷، ۲۲۲)

ب) محمد ابن احمد شریحی ماریکلی: (مشهور به کمال الدین زاهد) صاحب تفسیر «کاشف الحقایق و قاموس الدقایق»: کتاب او به زبان عربی و با گرایش عرفانی است و منتشر نشده است. (نقوی، ۲۰۱۴، ۳۵)

ذکر این نکته لازم است که علاوه بر تفسیر کمال الدین زاهد شریحی، روند تفاسیر عرفانی (البته در قالب موعظه یا آثار مکتوب و گنجانیدن مطالب عرفانی توسط عرفا در تفسیر آیات)، به شکلی که فقط مورد پذیرش صوفیان و پیروان کسانی چون خواجه معین چشتی در اجمیر و خواجه نظام الدین اولیاء در دهلی بود به سان سده‌های گذشته همچنان ادامه داشت، به گونه‌ای که در قرون بعدی نیز شاهد رشد تفاسیری عرفانی از

عرفایی مانند مهامی، سید محمد حسینی (خواجه گیسو دراز) و میر سید علی همدانی هستیم.

### قرن هشتم هجری:

در قرن هشتم، در حالی که در ممالک اسلامی، مفسران قرآن با تأثیرپذیری از مفسرانی چون فخر رازی به گسترش رویکردهای فلسفی و کلامی در حوزه‌ی تفسیری اقدام می‌نمودند، تفاسیر عرفانی در شبه‌قاره به ویژه دکن و کشمیر، رواج و رونق خاصی را تجربه می‌کرد. در این سده از چند اثر تفسیری می‌توان نام برد که یکی از آن‌ها به «ابن تاج» و دیگری به مفسر عارف «سیدمحمد حسینی» (خواجه گیسو دراز) تعلق دارد.

### مفسران قرن هشتم:

الف) شیخ ابوبکر اسحاق، معروف به «ابن تاج» (متوفی ۷۳۶ ق): وی فرزند ابوالحسن تاج الدین علی بن ابی‌بکر است که تفسیر «جواهر القرآن» را با الگو قرار دادن تفسیر امام غزالی عرضه کرد. شیوه‌ی او در این تفسیر، ابتدا شرح فضایل سوره و بعد توضیح مفردات و بیان معانی مشکل کلمات و سپس توضیح آیات است. (نقوی، ۲۰۱۴، ۳۹) این کتاب از دید بروکلیمان، یک نوع کتاب فرهنگ کوتاه کلمات دشوار قرآن مجید به فارسی است. (نوشاهی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۲۶۱)

ب) سید محمد حسینی یا خواجه گیسو دراز (۷۲۱- ۸۲۵ ق) صاحب تفسیر عربی «ملتقط»: تذکره نگاران بیش از صد و پنج اثر به او نسبت داده‌اند که کتاب «تفسیر ملتقط» از جمله‌ی آنهاست. این تفسیر که به سبک عرفانی و به زبان عربی است، در کتابخانه‌ی ایندیا آفیس در انگلستان و در کتابخانه‌ی ناصری لکنهو نگهداری می‌شود. البته در برخی موارد مطالب آن با شرح فارسی نیز دیده می‌شود. (نقوی، ۲۰۱۴، ۴۰) پس از آن فرزند سید محمد بر این تفسیر شرحی نگاشت که اینک در دو جلد در کتابخانه‌ی ایندیا آفیس موجود است. جلد اول مشتمل بر تفسیر سوره‌ی فاتحه تا کهف و جلد دوم از سوره‌ی مریم تا آخر قرآن است. در آخر جلد دوم این جمله نگاشته شده است: «تفسیر ملتقط، نصف آخر، تصنیف سید محمد حسینی گیسو دراز». همچنین تفسیر دیگری از وی به سبک کشاف در تذکره‌ها یاد شده است که در حال حاضر هیچ نسخه‌ای از آن دیده نشده است. «از بین عرفای هند، گیسو دراز اولین کسی است که به تدوین یک کتاب مستقل تفسیر اقدام نمود.» (همو)



## مفسران قرن نهم:

الف) مخدوم علی مهاییمی (۷۷۶ ۸۳۵ ق) صاحب تفسیر عربی «تبصیر الرحمان»: کتاب تفسیری مهائمی «تبصیرالرحمان» که به تفسیر رحمانی و نیز تفسیر مهائمی مشهور است، در دو جلد و به زبان عربی است. تفسیر دیگری به نام «الم» به وی منسوب است که برخی منابع از آن یاد کرده اند. (صالحی شهیدی، ۱۳۸۱، ۱۷۶؛ مهدوی راد، ۱۳۷۵، ۱۰) البته تفسیر اصلی او همان «تبصیر الرحمن» و عنوان اصلی این تفسیر «تبصیر الرحمان و تبصیر المنان لبعض ما اشیر الی اعجاز القرآن» می باشد. نسخه‌هایی از این تفسیر با عنوان «تفسیرالقرآن» در دانشگاه الازهر مصر و نیز در دانشگاه ام القری مکه موجود است.

برخی؛ مهم‌ترین ویژگی این تفسیر را تأکید بر تناسب آیات و ربط بین کلمات و داشتن نگاه بلاغی به تفسیر آیات برای نشان دادن اعجاز قرآنی می‌دانند (مهدوی راد، ۱۳۷۵، ۷۸) و این ارتباط و پیوند موجب می‌شود بتوان بدون احساس رنج و خستگی تمام مجلدات تفسیر را خواند و لذت برد. (نقوی، ۲۰۱۴، ۴۱) مهائمی حتی این ارتباط و پیوستگی را در تفسیر حروف مقطعه در اوایل سوره‌هایی مانند «طه»، «روم» و «ص» به خوبی نشان می‌دهد. (ن.ک. مهائمی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۱۴) برخی دیگر در کنار ویژگی یاد شده به خصوصیت اشاری بودن آن به شیوهی عرفا انگشت می‌نهند. (ایازی، ۱۳۷۸، ۶۰) ویژگی‌های دیگر این تفسیر عبارتند از:

- بیان موضوع اصلی و کلیدی در ابتدای تفسیر هر سوره و سپس بیان ارتباط سایر مطالب با موضوع اصلی همان سوره؛
- تذکر نکات جدیدی در تفسیر آیهی بسم الله در آغاز هر سوره؛
- بها دادن به روایات همراه با دقت در عدم ذکر اسرائیلیات؛
- بیان شأن نزول آیات و سوره‌ها (ن.ک. مهائمی، ۱۴۰۳، ج ۱ و ۲، ۴۴۴)؛
- استناد به اقوال حکما و فلاسفه در حدود شریعت؛
- ورود به مباحثی چون ظاهر و باطن، و علوم مورد نیاز مفسر در مقدمه‌ی این تفسیر (نقوی، ۲۰۱۴، ۴۵).

روش تفسیری مهائمی: روش تفسیری هر مفسر با منابع و استنادات او رابطه دارد. مهائمی برای دو منبع حدیث و عقل، اعتباری والا در تفسیر قائل است. وی همچنین دریافت روابط سوره‌ها و آیات قرآنی و کشف روابط معنوی آنها را ناشی از الهامات ربانی و توفیقات

سبحانی قلمداد می‌کند. (ن.ک. مقدمه مهائمی، ۱۴۰۳) لذا مهائمی، روش عقلی، نقلی و شهودی را در تفسیرش برگزیده است. او با نگرارش این تفسیر روش فلسفی و عرفانی را در می‌آمیزد. البته نقوی معتقد است روش او مشابه تفاسیر شیعی است. از آن جهت که از یک سو تفسیر به رأی را محکوم می‌دانند از دیگر سو تفسیر عقلانی را با رعایت ضوابط تأویل می‌پذیرند. (همان)

جایگاه اخلاق و عرفان عملی در تفسیر مهائمی و تأثیر شرایط اجتماعی بر گرایش‌های اخلاقی وی:

مهائمی شهود را که حاصل تهذیب نفس مفسر از رذایل اخلاقی است، به عنوان منبع دیگر شناخت و فهم کلام وحیانی، عطیه‌ی رحمانی تلقی می‌کند و راه درست تدبر در قرآن و آماده‌سازی روح مفسر برای دریافت‌های شهودی را تزکیه درون می‌داند. براین اساس و برای نمونه، از منظر مهائمی، قناعت به عنوان صفتی که هم خود فی نفسه فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود و هم منجر به فضایل اخلاقی دیگری همچون عزت نفس می‌گردد، می‌تواند به عنوان عامل مهمی در دوری از رذایلی چون حرص و اسراف، به شمار آید. (مهائمی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۴۱۸) از آنجا که یکی از مهمترین ویژگی فرهنگی و از شاخص‌ترین خصایص اجتماعی مردمان شبه قاره، داشتن روحیه‌ی قناعت می‌باشد، این که مهائمی در تفسیر خود بر اخلاقیات و ترویج ارزش‌هایی چون قناعت و توکل تأکید دارد از یک سو به روش تفسیری (به همان مفهوم منابع و استنادات تفسیری) او مبتنی است و از طرف دیگر، می‌تواند نشانه‌ای از متأثر بودن او از فضای فرهنگی اجتماعی هند در این رویکرد تفسیری به شمار آید.

ب) قاضی شهاب الدین دولت آبادی (۸۵۰-۸۱۰ هجری ق) صاحب تفسیرفارسی «بحر الموج»؛ تفسیر بحر الموج مشتمل بر سه جلد و دارای زبان و بیان خاصی است که از آغازین تفاسیر قرآن به زبان فارسی در هند به حساب می‌آید و عنوان اصلی آن «البحر الموج و السراج الوهاج فی تفسیر القرآن» می‌باشد. بحر الموج در ۱۲۹۷ در لکهنو چاپ و منتشر شد، ولی اکنون نایاب است (عبدالحق، ۱۳۳۲، ۱۷۹) و به دلیل عدم نگرارش آن به زبان عربی، تفصیل تحلیل و بررسی آن فرونهاد می‌شود.

### ویژگی تفاسیر در دوره‌ی اول از مرحله‌ی کلاسیک روند توسعه‌ی تفسیر هند:

در دوره‌ی اول از مرحله‌ی کلاسیک، روند مذکور در قالب استقلال منابع تفسیری از متون



روایی و ایجاد تحول کیفی در تفسیرنگاری، از جمله ترویج روش تفسیر موضوعی قرآن و گسترش تفاسیر با ویژگی گرایش‌های عقلی و عرفانی خود را نشان می‌دهد.

در مرحله‌ی دوم از دوره‌ی کلاسیک، روند تحول کیفی، در قالب ورود به مبحث «نظم قرآن» (تفسیر به روش ساختاری) توسط مهائمی و شیخ مبارک و تقویت تفسیرنگاری موضوعی توسط شوشتری نمایان می‌شود و جریان توسعه‌ی کمی تفاسیر قرآنی نیز، در قالب حاشیه‌نگاری بر تفاسیر متقدمین تبلور می‌یابد. در میان مفسران شبه قاره در قرون ۱۰ الی ۱۲، حاشیه‌نویسانی بر تفسیر بیضاوی می‌توان برشمرد که برخی از آنان مانند شاه طاهر در عرصه‌ی سیاست و مناصب دولتی به ویژه قضاوت ایفای نقش نموده‌اند. علاوه بر حاشیه‌ی شاه طاهر چند حاشیه‌ی دیگر بر تفسیر بیضاوی عبارت‌اند از: حاشیه‌ی سید رضی الدین همدانی (۹۵۲-۹۰۰)، حاشیه‌ی شیخ غلامعلی نقشبند (۱۰۵۱ ق-۱۱۲۶ ق) بر تفسیر سوره‌ی اعراف بیضاوی (البته تفسیر «انوارالقرآن» او نیز به گونه‌ای شرح تفسیر بیضاوی است)، حاشیه‌ی حافظ امان الله (زنده در قرن ۱۱ و ۱۲ ق) و دو حاشیه‌ی صغیر و کبیر از قاضی نورالله شوشتری. (۹۵۶ - ۱۰۱۹ ق)

### مفسران قرن دهم:

به دلیل فارسی بودن برخی آثار قرن دهم که شرح و بسط آنها خارج از موضوع این پژوهش است، ابتدا فقط به ذکر نام مفسرین و یا معرفی اثر تفسیری به زبان فارسی و توضیح اندک از آنها اکتفا می‌شود و سپس آثار عربی از تفاسیر قرآنی این قرن مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد:

الف) مخدوم نوح: این اثر که به شکل ترجمه‌ی فارسی به قلم مخدوم نوح (متوفای ۹۹۸) است نخستین ترجمه‌ی قرآن در هند است که حدود دویست سال پیش از ترجمه‌ی شاه ولی الله دهلوی صورت گرفته است و از ویژگی‌های آن معنای متفاوت بسم الله در اول هرسوره است. (ن.ک. تتوی، ۱۹۵۷، ۳۴۷)

ب) بهاء الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی (م ۱۰۸۶ ق) صاحب تفسیر شریف فیاض لاهیجی: این تفسیر توسط این دانشور شیعی در هند و ایران به سال ۱۰۸۶ قمری به سبکی ساده و روان به فارسی نگاشته شده است. (ن.ک. ایازی، ۱۳۷۸، ۱۷۷ و توضیحات ارموی در مقدمه تفسیر شریف لاهیجی ۱۳۶۳)

ج) شیخ احمد یعقوب صرفی (۹۰۸-۱۰۰۳ ق) صاحب تفسیر فارسی «مقاتل الطالبین»: این

تفسیر تقریباً کامل است و نسخه‌ی خطی آن در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می‌شود.

د) شاه طاهر حسینی (۸۸۰-۹۵۲ هجری) صاحب شرحی بر تفسیر بیضاوی: وی به عنوان وزیر برهان نظام شاه، برای اعلام رسمیت مذهب شیعه دستور داد خطبه‌ای به نام ائمه‌ی اثنی عشریه در نمازها خوانده شود. شاه طاهر دارای آثار زیادی از جمله «حاشیه بر تفسیر بیضاوی» بوده که در کتابخانه‌ها موجود نیست ولی نامه‌ی وی به شاه طهماسب صفوی ما را به نگارش چنین اثری از وی مطلع می‌سازد. اینک دو اثر «فتح‌نامه» و «منشآت» از وی باقی مانده است. (نوابی، ۱۳۶۸، ۶۷)

ه) سید رضی الدین همدانی (۹۵۲-۹۰۰) صاحب حاشیه بر تفسیر بیضاوی. (و) خواجگی شیرازی (۹۸۸): محمد بن احمد خواجگی، استاد فلسفه و کلام در عهد نظام شاه به هند هجرت و در بیجاپور سکنی گزید. وی مجمع البیان را تلخیص و با نام تفسیر قطب شاهی به سلطان قطب شاه اتحاف نمود. تفسیر او با نام «بحرالمعانی یا زبده المعانی» نیز در تذکره‌ها و برخی آثار مطرح شده است. (صدر الافاضل، ۱۳۶۵، ۱۱)

با مرور بر آثار فارسی از مفسران قرن دهم که به دلیل قرار داشتن در روند قرآن‌پژوهی هند ناگزیر به اشاره‌ی مختصر به آنها شدیم، اینک به ذکر آثار عربی از تفاسیر این قرن می‌پردازیم:

الف) شیخ مبارک ناگوری (۹۱۱-۱۰۰۲ق) صاحب اثری تفسیری به عربی (منبع المعانی و مطلع شمس المثانی): مبارک به سال ۹۱۱ ق در ناگور هند دیده به جهان گشود. بعد از تحصیلات ابتدایی، به مدارس عالی در احمدآباد گجرات راه یافت. در این مدارس با آثار ابن عربی، صدر الدین قونوی و ابن فارض آشنا گردید. (علامی، ۲۰۳، ج ۳، ۱۳۸۵) با هجرت به آگره بیش از ۳۰ سال یکتا مرجع علمی مدارس آگره گردید و این موجبات جلب توجه اکبرشاه به او را فراهم آورد. هر دو پسران فرزانه‌اش نیز برای منشی‌گری و اموردیوانی و علمی به دربار راه یافتند و به قدری نفوذ آنان در اکبر شاه فزونی یافت که عالمان درباری مخالف با شیخ مبارک، از نزد شاه و امور و مناصب حکومتی طرد شدند و درست در هفتاد سالگی شیخ مبارک بود که محضر مشهور اکبر برای اعلام دین جدید تشکیل گردید. (بدایونی، ۱۳۷۹، ج ۳، ۷)

کتاب تفسیری شیخ مبارک در اوان پیری و زمانی که وی نابینا گشته بود با املای او توسط کاتبان در سه جلد نوشته می‌شود که بعد از اتمام به «منبع المعانی و مطلع



شموس المثنائی» شهرت می‌یابد. مهمترین ویژگی این تفسیر تلاش مفسر در بیان نظم قرآن و ترتیب آیات و ارتباط معنایی در سوره‌ها و آیات آنها می‌باشد. شیوه‌ی مفسر در آغاز هر سوره چنین است که ابتدا محور و موضوعات سوره بیان می‌شود و بعد نظم و ترتیب سوره و رابطه‌ی آن با سوره‌ی پیشین و پسین به بحث گذاشته می‌شود. شیخ مبارک در مقدمه‌ی این تفسیر، هدف اصلی خود از نگارش این اثر را تلاش برای بیان نظم قرآن، ارتباط آیات، قرائت عشره و انواع وقوف؛ ذکر کرده است. (نقوی، ۲۰۱۴، ۶۳)

ب) شیخ حسن محمد احمد آبادی گجراتی (۹۲۳-۹۸۲ق) صاحب «تفسیر محمدی» به زبان عربی: از ویژگی‌های مهم این تفسیر توجه به پیوستگی و انسجام آیات در سوره و نیز ارتباط هر سوره با سوره‌ی قبل و بعد خود می‌باشد. استنباط احکام و قواعد کلی از آیات، ویژگی دیگر آن است. همچنین وی در بیان احکام قرآن نظر ائمه‌ی مختلف را ذکر می‌کند و از مذهب خاصی پیروی نمی‌کند. (همان)

### مفسران قرن یازدهم:

الف) شیخ ابو الفیض فیضی (۹۵۶-۱۰۰۴ق) صاحب تفسیر بی‌نقطه‌ی «سواطع الالهام» به زبان عربی: این تفسیر که در جای خود یک شاهکار ادبی بی‌نظیر به زبان عربی است، مورد توجه بسیاری از فضلا بوده است. وی فرزند شیخ مبارک و صاحب تفسیر بی‌نقطه‌ی «سواطع الالهام» است که به همراه برادر خود ابوالفضل فیضی از شهرت علمی و منصب درباری در دوره‌ی اکبرشاه گورکانی برخوردار بودند. فیضی علی‌رغم قرار گرفتن در صف روشنفکران عصر خود در تفسیر «سواطع الالهام» از عقاید سنتی پیروی کرده است. به همین دلیل دشمنان او از بین برخی علمای اهل سنت، که با ورود وی به دربار، از نزد شاه طرد شدند، وقتی نتوانستند ایراد محتوایی به تفسیر مذکور بگیرند، شخصیت او را آماج حملات خود قرار دادند. بدایونی مورخ معاصر او می‌نویسد: «تفسیر بی‌نقطه، برای شستن بدنامی است که تا روز جزا، به صد آب دریا پاک نگردد. نگارش آن در حال مستی بوده است و سگان از هر سوی آن را پایمال می‌کرده‌اند. (بدایونی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۳۰۰) و بالعکس، امان‌الله ابن‌غازی و قاضی نورالله شوشتری و شیخ یعقوب صرفی، به سواطع الالهام فیضی تقریظ نوشته‌اند. به قول علامه شبلی نعمانی دانشمند فرهیخته‌ی دوران معاصر، با این که این تفسیر بعد از ماجرای معروف «محضر و اعلام دین الهی جدید» توسط اکبرشاه (که قطعا فیضی هم در تشکیل آن دخالت داشت)، نوشته شده است ولی

در آن چیزی که مخالف عقاید مسلمانان و خلاف مواضع عقیدتی و کلامی فقهی باشد، ابراز نشده است. (نعمانی، ۱۹۲۹، ۱۹۲) نقوی اتهام نوشتن این تفسیر در حال مستی مؤلف را از آن جهت قابل قبول نمی‌داند که کسی مثل شیخ احمد سرهندی در ایام نگارش این تفسیر با وی رابطه داشته است. (نقوی، ۲۰۱۴، ۷۵)

ب) سید ضیاء الدین قاضی نور الله شوشتری (۹۵۶ - ۱۰۱۹ ق) صاحب آثار تفسیری به عربی: قاضی نورالله شوشتری در شوشتر متولد شد و به سال ۹۷۹ ق به خراسان رفت و بعد از مدتی در سال ۹۹۳ ق عازم هندوستان شد. وی با وساطت ابوالفتح مسیح الدین گیلانی؛ ملازم اکبرشاه شد. (بدائونی، ۱۳۷۹، ۹۳) قاضی نور الله شوشتری که با حفظ تقیه علاوه بر آرای فقهی شیعه به آراء ائمه‌ی چهار مذهب فقهی اهل سنت نیز در تدریس درس فقه اشاره می‌کرد، باعث جلب نظر اکبر شاه گورکانی هند شد و منصب قضاوت به او پیشنهاد گردید. (ارموی، ۱۳۲۷، مقدمه) شوشتری بعد از چند سال قضاوت در لاهور به آگره بازگشت و در همان نقطه از هندوستان شهید و به خاک سپرده شد. (ن. ک. امینی، ۱۳۵۲، ۴۳۹)

در نزدیک‌ترین منبع تاریخی نسبت به ایام حیات شوشتری یعنی کتاب محفل الفردوس که توسط فرزندش علاء الملک نگاشته شده از تألیفات قاضی نورالله تا ۱۴۰ اثر نام برده شده است که تفاسیر آیات قرآنی او به زبان عربی است. (شوشتری، ۱۳۷۸، ۳۴) آثار تفسیری شوشتری شامل مجموعه‌ای از آیات قرآن کریم در موضوعات عدیده است که مفسر؛ در مناسبات مختلف و به جهات خاص به تفسیر و تأویل این آیات پرداخته است. این آیات... عبارتند از: آیه‌ی «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...» (بقره: ۳۴)؛ آیه‌ی «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ...» (انعام: ۱۲۵)؛ آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ...» (توبه: ۲۸)؛ آیه‌ی «وَ قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سِنْعَ بَقَرَاتٍ...» (یوسف: ۴۳)؛ آیه‌ی «إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ» (توبه: ۴۰).

همچنین تفسیرهای دیگری از شهید قاضی نور الله شوشتری یاد کرده‌اند که عبارتند از حاشیه‌ی صغیر و کبیر بر تفسیر بیضاوی؛ الحاشیه علی کنزالعرفان، که حواشی و تعلیقاتی است بر تفسیر کنزالعرفان؛ انس الوحید فی تفسیر سورة التوحید، در بیان و شرح سوره توحید (به شیوه کلامی)؛ مونس الوحید فی تفسیر آیه العدل و التوحید،<sup>۱</sup> در شرح و بحث راجع به آیه «شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...» (آل عمران: ۱۸)؛ تفسیر القرآن قاضی نور الله

۱. وی در این تفسیر اعتراضات تفتازانی را بر زمخشری رد کرده و می‌گوید: همانا مراد از اولوا العلم علمای عدل و توحید هستند که در شهادت به عدل و توحید پروردگار با ملائکه مشارکت دارند.



تستری؛ التّویر فی آیه التّطهیر که در آن آیهی تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳) مورد شرح و بسط قرار گرفته است؛ السحاب المطیر فی تفسیر آیه التّطهیر که در این کتاب آیات قرآنی را در دو سبک تفسیر ترتیبی (با نوشتن حاشیه بر تفسیر بیضاوی) و تفسیر موضوعی با روش کلامی آمیخته با روح عرفانی تفسیر و تأویل نموده است. (ن.ک. شوشتری ۱۳۶۸، مقدمه و شوشتری ۱۳۷۸ مقدمه)

ج) شیخ غلام نقشبند گهوسوی لکنهوی (زنده در نیمه قرن یازدهم) صاحب چند اثر قرآنی و تفسیری به عربی: شیخ غلامعلی نقشبند متولد شهر گهوسوی به سال ۱۰۵۱ ق، عالمی برجسته در فقه، تفسیر، حدیث و حتی حکمت و فلسفه بود. وی در تصوف نیز سیر و سلوک پیمود «او به عنوان راهنمای طریقت به سجاده نشینی به معنای ریاست یک خانقاه و سرسلسله‌ی طریقت نائل شد و مرجعیت یافت.» (ازاد بلگرامی، ۱۹۷۶، ج ۱، ۲۱۵)

شیخ غلامعلی به علوم قرآنی بسیار علاقه داشت هرچند تفسیر کاملی از قرآن ننوشت اما چندین کتاب در علوم قرآن و تفسیر بر جای گذاشت که از جمله‌ی آن تفسیر انوار القرآن به عربی و مربوط به تفسیر ربع قرآن است. همچنین از وی حاشیه‌ای بر سوره‌ی اعراف از تفسیر بیضاوی (که نسخه‌ی خطی آن در ایندیا آقیس لندن نگهداری می‌شود) و تفسیر دیگری به نام‌های تفسیر آیات مشکله و فرقان الانوار باقی مانده است. (نقوی، ۲۰۱۴، ۷۹)

ویژگی مهم تفسیر عربی انوار القرآن ورود به مباحث نظم قرآن و تفسیر به روش ساختاری است که در این روش ارتباط سوره و آیات قرآن با هم نشان داده می‌شود. (همان)

د) میرسید محمد گالپوی (زنده در نیمه‌ی قرن ۱۱ و متوفی ۱۰۷۱) مفسر سوره‌ی فاتحه به عربی: مصنفات او به عربی بوده و عبارتند از رساله‌ی تحقیق روح و اسرار توحید و ارشاد السالکین و رساله اتقیاء و عقاید صوفیا. ظاهراً و بنا به قول وجیه الدین اشرف وی «تفسیر سوره فاتحه بسیار داشت.» (اشرف، ۱۳۹۱، ۲۵۸)

ه) ملاجیوان (متولد ۱۰۴۷ ق) صاحب تفسیری عربی از آیات الاحکام (تفسیر احمدی): احمد ابن ابی سعید معروف به ملاجیوان متولد به سال ۱۰۴۷ هجری در بمبئی و از روستای امیتهی است. (ازاد بلگرامی، ۱۹۷۶، ۲۱۶) وی از جمله علمای حنفی و مفسران دوره «اورنگ زیب» بوده و در منابع از وی با عناوین فقیه، اصولی و محدث یاد شده است. (زرکلی، ۱۹۶۶، ۲۳۳) ملاجیوان در نوجوانی به تألیف و نگارش کتاب پرداخت. او کتاب آداب احمدی (آداب الاحمدیه فی بیان اوراد المشایخین و الصوفیه) را در علم سیر و سلوک در سیزده سالگی نوشت و در شانزده سالگی، نگارش «تفسیر احمدی» را آغاز کرد و این نمودار نبوغ وی است. او

از مرشدان طریقت «نقشبندی»، «چشتیه»، و «قادری» رموز تصوف آموخت و خود در بیست و دو سالگی، مرکز علمی بزرگی در شهرک «امیتهی» برقرار نمود. ملاجیوان در لاهور، همراه شاه عالم بهادر شاه بوده، پس از درگذشت شاه عالم، ملاجیوان به دهلی آمده و همراه با شاه فرخ سیر بود. وی در هشتاد سالگی در دهلی در گذشت. مهم‌ترین آثار وی «تفسیر احمدی» است. (نقوی، ۲۰۱۴، ۸۳) نام کامل این تفسیر که به زبان عربی است و فقط در قلمرو آیات الاحکام است «التفسیرات الأحمدیه فی بیان الآیات الشرعیه»، می‌باشد و به «تفسیر احمدی» نیز معروف است. ملاجیوان در شصت و یک سوره‌ی قرآن، ۲۷۳ آیه از آیات فقهی را برگزیده و شرح داده است. (جیوان، ۱۸۴۶، ۴۲) وی در شرح آیات، ابتدا، شأن نزول را بیان کرده و ریشه‌ی لغوی آیات و مباحث فقهی و کلامی را در ضمن تفسیر مطرح می‌کند. (ناصحیان، ۱۳۹۱، ۳۵۲-۳۵۴)

تأثیرپذیری ملاجیوان از شرایط تاریخی اجتماعی معاصر خود: دوران ملاجیوان مقارن با اواخر حکومت آخرین امپراتور گورکانی هند؛ سلطان محمد عالمگیر بوده است. در این عصر علوم فقهی، فلسفی و اخلاقی جایگاه والایی داشتند و برخلاف نظر برخی نویسندگان (همو) باید گفت علم حدیث هنوز جایگاه خود را در زمان ملاجیوان نیافته بود «چون، حدیث در هند پس از دوره‌ی «شاه ولی الله» اهمیت پیدا کرد و در کشورهای عربی، از پیروان «ابن تیمیه»؛ ابن عبدالوهاب آن را یگانه تکیه گاه قرار داده بود.» (نقوی، ۲۰۱۴، ۸۳) این که ملاجیوان در مآخذش، به هیچ متن حدیث اشاره ندارد نمایانگر تأثیرپذیری او از شرایط علمی، فرهنگی و ترجیحات و گرایش‌های حوزه‌های آن زمان است. (همان) ملاجیوان در تفسیر قرآن کریم؛ با اینکه دارای وجهی غالب فقهی است، متأثر از جو اجتماعی دوران خود در نقد آراء صوفیه مبتنی بر مؤمن بودن فرعون به مباحث کلامی و گرایش‌های عقیدتی (بحث شفاعت مؤمنان، تعریف امامت و عدم شرطیت عصمت در امام، عدم عزل وی با وجود فسق، نقدهایی بر معتزله به خصوص نظریه‌ی وجوب اصلح بر خدا، حقیقت حشر و حقانیت پل صراط) دامن می‌زند. یکی از شاخصه‌های عصر ملاجیوان، مخالفت سلطان حاکم «اورنگ زیب» با آزادی ادیان و حتی برخی جنبش‌های صوفی است تا جایی که بر هندوان جزیه بست و معابدشان را ویران نمود.

ملاجیوان متأثر از فضای سیاسی اجتماعی یاد شده از یک سو و میراث خواری فقیهان و مفسران و اصولیین برجسته‌ی حنفی از دیگر سو با تعصب شدید که گاه وی را به تأویل ناصواب کشانده، مذهب حنفی خود را حق به جانب تصور کرده است و در مسائل کلامی



نیز در تفسیر خود (التفسیرات الاحمدیه) با اینکه به مناقب اهل بیت علیهم السلام به ویژه علی علیه السلام اذعان دارد، به دلیل حاکمیت جو تعصب آمیز سنی‌گری به اثبات حقانیت شیخین می‌پردازد. میزان تأثیرپذیری او از جو اجتماعی و اندیشه مذهبی غالب به حدی است که در حق حضرت زهرا علیها السلام کوتاهی و عایشه را افضل از ایشان معرفی می‌کند. (ناصحیان، ۱۳۹۱، ۳۵۶)

وی چون به شدت حامی تداوم حاکمیت اورنگ زیپ است، در تلاش برای تحکیم قدرت او، با استناد به سیره‌ی صحابه در تقلید از معاویه (با وجود علم آن‌ها به حقانیت علی علیه السلام) خروج علیه حاکمیت جائر را مردود می‌داند و در اشاعه‌ی این طرز فکر به استناد به سیره‌ی صحابه اکتفا نمی‌کند و در سیره‌ی تابعین نیز به پیروی از آنان در قبول حاکمیت حجاج بن یوسف تاکید دارد. (همان و جیوان، ۱۸۴۶، ۴۶۸)

### مفسرین قرن دوازدهم:

در این قرن شاهد ظهور تفاسیری از مفسران بزرگ هستیم که به دلیل نگارش اکثر آنها به زبان فارسی، فقط به معرفی مختصر آنها اکتفا می‌شود:

(الف) شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ ق) صاحب ترجمه‌ی فارسی قرآن همراه با حاشیه‌ی تفسیری؛

(ب) نعمت خان عالی (م ۱۱۲۱ ق) صاحب تفسیر «نعمت عظمی» به فارسی؛

(ج) صفی قزوینی (م ۱۱۱۳ ق) صاحب تفسیر «زیب التفاسیر» به فارسی؛

(د) عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹-۱۲۳۹ ق) صاحب تفسیر «فتح العزیز».

برخی آثار تفسیری (به زبان عربی) این قرن عبارتند از:

(۱) «تقریب الافهام فی تفسیر آیات الاحکام» اثر سید محمد قلی موسوی نوه میر حامد حسین؛

(۲) تفسیر سوره‌ی یوسف اثر میرزا ارجمند (۱۱۳۳ ق).

### ویژگی تفاسیر دوره دوم از مرحله کلاسیک:

دوره‌ی دوم از مرحله‌ی کلاسیک، روند تحول کیفی جریان توسعه‌ی تفسیر، در قالب ورود به مبحث «نظم قرآن» (تفسیر به روش ساختاری) توسط مهائمی و شیخ مبارک و تقویت تفسیرنگاری موضوعی توسط شوشتری نمایان می‌شود. همچنین در این دوره جریان توسعه‌ی کمی تفاسیر قرآنی، در قالب حاشیه نگاری بر تفاسیر متقدمین ظهور می‌یابد و بسان بلاد اسلامی حاشیه‌نویسی بر تفاسیر معتبر، به ویژه تفسیر بیضاوی از خصوصیات تفسیر نگاری دوره‌ی کلاسیک در سده‌های ۱۰ تا ۱۳ هجری در شبه قاره به شمار می‌رود. در این برهه‌ی زمانی شرح‌های فراوان بر تفسیر بیضاوی در دیگر مناطق نگاشته شده بود

که بیش از ۴۰ کتاب را می‌توان شمارش کرد ولی در شبه قاره، مشهورترین حاشیه‌نویسی بر تفاسیر متقدمین توسط شاه طاهر و سید رضی الدین و چند مفسر دیگر از جمله خود شوشتری پدیدار گشت.

### نتیجه‌گیری:

براساس این پژوهش، تقسیمی جدید از مراحل تاریخی سیر مطالعات قرآنی در شبه قاره به دست می‌آید که به شرح ذیل است:

۱- تاریخ مطالعات قرآنی به ویژه تفسیر در شبه قاره، بامرحله تکوین (قرن اول تا ششم) و به شکل نشر معارف قرآنی در آموزش یا تدوین آثار روایی و نیز متون بسیار عمیق عرفانی، آغاز می‌شود. در قرن هفتم هجری، قرآن‌پژوهی با مصداق بارز تفسیرنگاری این دیار وارد مرحله‌ی توسعه‌ی خود می‌گردد.

۲- در این نوشتار، مرحله‌ی توسعه (استقلال تفسیر از منابع حدیثی)، از قرن هفتم آغاز و به دو دوره‌ی کلاسیک و نوگرایی تقسیم می‌شود و دوره‌ی کلاسیک، خود، در دو مرحله‌ی قبل از گورکانیان و بعد از شروع حاکمیت آنان در شبه قاره‌ی هند مورد بررسی قرار می‌گیرد. دستاورد این تحقیق روشن شدن تحولات کیفی و کمی در تفاسیر دوره‌ی میانه‌ی تاریخ هند و میزان تأثیرگذاری شرایط محیطی بر سبک و گرایش مفسرین به شکل ذیل می‌باشد:

الف) در مرحله‌ی اول کلاسیک، روند مذکور با محوریت تفسیرنگاری عربی شبه قاره، در قالب استقلال منابع تفسیری از متون روایی و ایجاد تحول کیفی در تفسیرنگاری، از جمله ترویج روش تفسیر موضوعی قرآن و گسترش تفاسیر با گرایش‌های عقلی و عرفانی، خود را نشان می‌دهد. در مرحله‌ی دوم از دوره‌ی کلاسیک، روند تحول کیفی، در قالب ورود به مبحث «نظم قرآن» (تفسیر به روش ساختاری) توسط مهائمی و شیخ مبارک ایجاد می‌شود و تقویت تفسیرنگاری موضوعی توسط شوشتری صورت می‌پذیرد. همچنین در این دوره جریان توسعه‌ی کمیت تفاسیر قرآنی، در قالب حاشیه‌نگاری بر تفاسیر متقدمین توسط شاه طاهر و سید رضی الدین تبلور می‌یابد.

ب) شرایط اجتماعی فرهنگی هر دوره، بر سبک نگارش و گرایش تفسیری مفسرانی از هند تأثیرگذار بوده است. نمونه‌هایی از این تأثیرگذاری عبارتند از:

- در قرون میانه‌ی هند، مهاجرت عرفایی از ایران به هند و نیز هجرت علمایی از خراسان



و ماوراءالنهر به آن دیار با توانمندی‌هایی در مباحث کلامی، فلسفی و اصولی علاوه بر انتقال این علوم به هند؛ در پیدایش تفاسیری با گرایش‌ات عرفانی و یا عقلی تأثیر نهادند. (نظام اعرج نیشابوری و قاضی نورالله شوشتری و...)

- در شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر عصر ملاحیوان به ویژه مخالفت با آزادی مذهبی توسط اورنگ زیب، تفسیر ملاحیوان با رنگ و بوی دگماتیسم حنفی گرایانه و تعصب مذهبی شکل می‌گیرد.

- این که مهائمی در تفسیر خود بر اخلاقیات و ترویج ارزش‌هایی چون قناعت و توکل تأکید دارد از یکسو به شخصیت فردی و روش تفسیری (به همان مفهوم منابع و استنادات تفسیری) او مبتنی است و از طرف دیگر، می‌تواند نشانه‌ای از متأثر بودن او از فضای فرهنگی اجتماعی شبه قاره (نهادینه بودن روحیه قناعت در ملت هند) در این رویکرد تفسیری به شمار آید.

## کتابنامه

- ارموی، جلال الدین (۱۳۲۷)، **فیض‌الاله فی ترجمه قاضی نورالله مقدمه‌های بر کتاب الصوارم المهرقه**، تهران: بی‌نا.
- ازاد بلگرامی، غلامعلی بن محمد نوح (۱۹۷۶)، **سبحه المرجان فی آثار هندوستان**، به تصحیح و مقدمه محمد فضل الرحمن ندوی، بمبئی: پوته.
- ——— (۱۹۵۴)، **مآثر الکرام**، دفتر اول آگرا: مفید عام پریس.
- اشرف، وجیه الدین (۱۳۹۱)، **بحرزخار**، به تصحیح آذر میدخت صفوی، دهلی مرکز نشر تحقیقات فارسی ج ۱۱.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، **شهداء الفضیله**، قم: مکتبه الطباطبایی.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۷۸)، **شناخت نامه تفاسیر**، رشت: کتاب مبین.
- بدائونی عبدالقادر (۱۳۷۹)، **منتخب التواریخ**، به تصحیح احمد علی صاحب، تهران: انجمن آثار ومفاخر فرهنگی.
- تنوی، میرعلی شیرقانع (۱۹۵۷)، **تذکره مقالات الشعرا**، پاکستان: سندھی ادبی بورڈ.
- حیوان، احمد (۱۸۴۶)، **تفسیر احمدی**، کلکته: انجمن آسیایی بنگال.
- حسنی ندوی، عبدالحی (۱۴۰۲)، **نزہة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر**، ج ۶، حیدر آباد دکن: دایرة المعارف العثمانیہ.
- حسینی، محمد زاهد (۱۴۰۱)، **تذکره المفسرین**، لاهور.
- رحمان علی، محمد بن عبد الشکور (۱۳۳۲ق)، **تذکره علمای هند**، لکنهو: نول کشور.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۶۶)، **الاعلام**، ج ۱ بیروت: دارالعلم للملایین.
- شوشتری، علاءالملک (۱۳۷۸)، **محفل الفردوس به تصحیح ارموی**، ج ۱، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شوشتری، نورالله (۱۳۶۷)، **احقاق الحق واذهاق الباطل**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- شهیدی صالحی، عبدالحسین (۱۳۸۱)، **تفسیر و تفاسیر شیعه**، قزوین: نشر حدیث امروز.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۶۸)، **ظهور و دوام اسلام در هند**، مترجم حسین لاهوتی، «کیهان فرهنگی شماره ۲۳».
- صدر الافاضل، سید مرتضی (۱۳۶۵)، **شیوه‌های تفسیر قرآن در هند و پاکستان**، مترجم هاشم محمد، «مشکوٰۃ ش ۱۰».
- ——— (۱۳۶۵)، **تفاسیر علماء امامیه در شبه‌قاره هند**، مترجم هاشم محمد، «مشکوٰۃ شماره ۱۱».
- عبد الحق، ابن سیف الدین (۱۳۳۲ق)، **اخبار الاخیار**، دهلی: مطبع مجتبابی.
- علامی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، **اکبرنامه**، تاریخ گورکانیان هند، ج ۱، به کوشش طباطبایی مجد، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- لاهیجی، محمدعلی (۱۳۶۳)، **تفسیر شریف لاهیجی**، با مقدمه ارموی، تهران: علمی.
- محمد، عابدحسین (۱۳۸۸)، **قندپارسی**، ش ۴۷ و ۴۸، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی ج ۱۱.
- مقدسی، محمدابن احمد (۱۳۶۱)، **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم**، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲ تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- موسوی، محمد باقر (۱۴۱۱)، **روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات**، ج ۷ و ۸ بیروت: دارالاسلامی.



- مهائمی، علی بن احمد ابراهیم (۱۴۰۳)، **تبصیر الرحمن و تیسیر المنان**، ج ۲، بیروت: بی‌نا.
- مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۷۵)، **سیرنگارش‌های قرآنی**، «بینات، شماره ۱۰»
- ندوی، عبدالحی (۱۹۵۶)، **یاد ایام**، اعظم گره: بی‌نا.
- نعمانی، شبلی (۱۹۲۹)، **شعر العجم**، ج ۳، اعظم گره: معارف پریس.
- نقوی، علی محمد (۲۰۱۴)، **تفسیر و مفسران در هند**، دهلی نو: رایزنی فرهنگی ج ۱ ا.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۴۱)، **اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل**، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- نوشاهی، عارف (۱۳۷۲)، **دائرةالمعارف بزرگ اسلامی**، ج ۵، مدخل ابوبکر اسحاق ملتانی، تهران: بی‌نا.
- نیازمند، محمدصدیق (۱۳۶۵)، **سهم کشمیر در ترویج زبان و ادبیات فارسی**، «ایران شناسی ش ۵».